

## تحلیل و ارزیابی سطح پایداری اجتماعی در شهر نوشهر

سید هادی حسینی\* - استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، گروه جغرافیا، دانشگاه حکیم سبزواری

پذیرش: ۱۳۹۳/۰۳/۰۳

وصول: ۱۳۹۲/۰۹/۲۶

### چکیده

پایداری اجتماعی مفهومی است کیفی که دربرگیرنده دامنه گسترده‌ای از مفاهیم همچون توسعه اجتماعی، سرمایه اجتماعی، مشارکت، تعلق، برابری و... است. هدف اصلی این پژوهش، شناخت و ارزیابی مؤلفه‌های سازنده پایداری اجتماعی و کم و کیف آن در شهر نوشهر است. جامعه آماری تحقیق، شهروندان بالای ۲۰ سال شهر نوشهر (برابر با ۳۳۶۳۵ نفر) و حجم نمونه نیز برابر با ۳۸۰ نفر است که جهت کیفیت بالاتر تعداد نمونه تا ۴۰۰ نمونه افزایش یافت. روش‌شناسی تحقیق، پیمایشی - تحلیلی است و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز بر اساس روش‌های آماری توصیفی و استنباطی، روش تحلیل عاملی اکتشافی و استفاده از مدل‌های کمی است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که مهم‌ترین مؤلفه‌های سازنده پایداری اجتماعی در شهر نوشهر عبارتند از احساس تعلق مکانی، هم‌بستگی و انسجام اجتماعی، دسترسی به امکانات (عدالت اجتماعی) و احساس امنیت اجتماعی که در مجموع این عامل‌ها حدود ۵۵ درصد کل واریانس مربوط به متغیر پنهان تحقیق، یعنی پایداری اجتماعی را تبیین می‌کنند. از این میان عامل نخست ۱۵/۹۹ درصد، عامل دوم ۱۵/۶ درصد، عامل سوم ۱۲/۹ درصد و عامل چهارم ۹/۶۵ درصد واریانس داده‌ها را تبیین می‌کنند. ارزیابی سطح پایداری اجتماعی از طریق ساخت شاخص تجمعی نیز گویای آن است که میانگین امتیاز پایداری اجتماعی به دست آمده برای شهر نوشهر برابر با ۲/۶۹۲ است که نسبت به میانه نظری تحقیق (عدد ۳) پایین‌تر بوده و گویای وضعیت نه چندان مناسب شهر نوشهر به لحاظ شاخص‌های پایداری اجتماعی است؛ همچنین تحلیل‌ها نشان می‌دهند بین شرایط محیط کالبدی شهر / محله و بهزبستی ذهنی، شرایط اقتصادی، نوع تصرف واحد مسکونی، مساحت زمین مسکونی، سطح درآمد و جنسیت شهروندان با سطح پایداری اجتماعی آن‌ها رابطه معنی‌داری وجود دارد و در سوی دیگر متغیرهای زمینه‌ای چون سن، سطح تحصیلات، سابقه سکونت در شهر و مهاجر بودن / نبودن رابطه معنی‌داری با سطح پایداری اجتماعی شهر نوشهر ندارند.

کلیدواژه‌ها: پایداری شهری، پایداری اجتماعی، ارزیابی، تحلیل عاملی، شاخص تجمعی، نوشهر.

## مقدمه

طی صد سال اخیر شهرها درصد زیادی از جمعیت جهان را به سوی خود جذب کرده‌اند. با وجود اینکه شهرها تنها ۲ درصد سطح زمین را اشغال کرده‌اند، ساکنان آن‌ها حدود ۷۵ درصد منابع طبیعی سیاره زمین را مصرف می‌کنند و نزدیک به ۸۰ درصد دی‌اکسیدکربن جهانی را تولید می‌کنند (اتحادیه شهرها، ۲۰۰۶: ۸). مقیاس شهرنشینی و مشکلات آن بیانگر این است که پیامدهای آن در حال حاضر جهانی است (هال<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵: ۱). بر همین اساس نیز دستیابی به پایداری توسعه شهرها در جهان معاصر به عنوان پیش‌نیاز و شرط ضروری برای توسعه پایدار در سطح جهانی قلمداد و بر آن تأکید می‌شود. مفهوم پایداری که در ابتدا عمدتاً محدود به تعبیر اکولوژیکی بود، به دنبال حرکت‌ها و جنبش‌های اوایل دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰م، نگرش‌های تک‌بعدی به پایداری مورد انتقاد قرار گرفت و به مرور زمینه برای شمول بیشتر شاخص‌های پایداری در حوزه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و اخلاقی فراهم گردید. در واقع مسئولان اجرایی و نظریه‌پردازان و اندیشمندان دانشگاهی به مرور زمان دریافتند که بدون کاهش نابرابری‌های درآمدی و توزیع عادلانه درآمدها و فرصت‌ها، بدون تدوین چشم‌اندازی درازمدت در جهت بررسی تأثیرات تصمیم‌گیری‌های کنونی بر روی نسل‌های فعلی و آینده، بدون نهادسازی و وضع مقررات، قوانین و سیاست‌های کارآمد، بدون هم‌بستگی و همکاری میان بخش‌ها و سطوح مختلف برنامه‌ریزی و اجرا، بدون برقراری عدالت اجتماعی و کاهش فقر و... نمی‌توان به هدف اصلی، یعنی پایداری اکوسیستم دست یافت. پایداری فرآیندی است که در نهایت باید به سرزندگی و پویایی اقتصادی، سلامت اجتماعی و کیفیت محیطی منجر شود؛ اما در فرآیند پایداری، یکپارچگی مؤلفه‌ها و ابعاد مختلف بر اساس ارزش‌ها و اولویت‌های اجتماع است. در میان ابعاد مختلف پایداری، تعاملات و کنش‌های متقابل اجتماعی نقش جلودار و پیش‌آهنگ را دارند. بعد اجتماعی به این دلیل مهم است که هر چیزی و هر اتفاقی در درون زمینه اجتماعی روی می‌دهد. تمامی تأثیرات محیطی و تعاملات اقتصادی، نتیجه ارزش‌های اجتماعی هستند. به عنوان مثال، کنش‌های متقابل اقتصادی، سیستمی از تعاملات اجتماعی مبتنی بر پول هستند و می‌توانند به وسیله دیگر سیستم‌های اجتماعی همانند ارزش‌ها، قوانین، اخلاقیات و فرهنگ اجتماعی تنظیم شوند (بوهران<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵: ۸).

علی‌رغم رویکرد انسان‌محورانه برای تعریف پایداری (هوپ وود<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۰۵: ۱۲)، به طور شگفت‌آوری توجه بسیار کمی در خصوص تعریف پایداری اجتماعی در رشته‌ها و حوزه‌های مربوطه شده است (کات هیل<sup>۵</sup>، ۲۰۱۰: ۳)؛ در حالی که پژوهش‌های نسبتاً محدودی که به طور خاص بر روی پایداری اجتماعی متمرکز باشد، وجود دارد، تحقیقات بسیار وسیع‌تری درباره مفاهیمی چون سرمایه اجتماعی، انسجام اجتماعی، شمول اجتماعی و محرومیت اجتماعی که با آن هم‌پوشی دارند، وجود دارد. پایداری اجتماعی مفهومی چند بُعدی با دامنه گسترده‌ای از معانی بر محور این سؤال اساسی است که «اهداف اجتماعی توسعه پایدار کدامند؟» و این سؤالی است با دامنه گسترده‌ای از پاسخ‌های کثیر، اما بدون اجماع (لیتینگ و گرایسلر<sup>۶</sup>، ۲۰۰۵: ۲۹).

بررسی موضوع پایداری اجتماعی در شهرها از حیث نظری از سیر تاریخی چندان طولانی‌ای برخوردار نیست. صرف‌نظر از پاره‌ای اشارات تاریخی و اجتماعی در میان آثار فلاسفه یونانی و مورخین مسلمان، ابن‌خلدون برای نخستین بار به وجهی عالمانه موضوع حیات اجتماعی را در شهر مورد کنکاش قرار داده است. وی در تبیین واقعیت‌های جاری در

1- Cities alliance

2- Hall

3- Bohanan

4- Hopwood

5- Cuthill

6- Littig and Griessler

حیات اجتماعی و تخریب فرهنگ انسانی و جایگزین شدن الگوهای خاصی از منفعت‌طلبی و فردگرایی و کاهش حمایت مشترک نسبت به یکدیگر، دلایلی چون ماهیت زندگی مدنی در شهرها، فزونی جمعیت و رویارویی متعدد شهروندان، رشد فرهنگ رفاه و تن‌آسایی و رواج فرهنگ خودخواهانه برخاسته از فرهنگ جلال و شکوه شهری را ذکر می‌کند. پاره‌های دیگر از محققان به خصوص در حوزه علوم اجتماعی نیز موضوع دگرگونی‌های بنیادی در ارکان زندگی شهری و پیدایش اشکال جدی از مناسبات شهری را مورد توجه قرار داده‌اند.

تاکنون دامنه گسترده‌ای از مفاهیم در خصوص پایداری اجتماعی همچون سرمایه اجتماعی، اجتماعات پایدار، تاب‌آوری اجتماعی، توسعه اجتماعی، ظرفیت اجتماعی و رفاه و محرومیت اجتماعی به کار رفته که حاصل تغییر نگرش به مفهوم توسعه به معنای عام آن است (بارون و گانلت<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲: ۴-۵). در تعریف پایداری اجتماعی گروهی از محققان به چهار عنصر اصلی و تعیین‌کننده، یعنی عدالت اجتماعی، هم‌بستگی اجتماعی، مشارکت و امنیت اشاره می‌کنند. در این معنی مؤلفه‌هایی چون فرصت‌های برابر و توأم با پیشرفت برای تمامی انسان‌ها، زندگی همراه با تعاون و همکاری، فرصت‌های برابر برای تمامی افراد در جهت ایفای نقش‌های اجتماعی به همراه امنیت امرار معاش و ایمنی سکونتگاه‌های انسانی در برابر مخاطرات طبیعی، مبنای سنجش پایداری اجتماعی قرار گرفته‌اند (دی اف آی دی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲: ۲). به علاوه بسترسازی به منظور ظهور و بروز خلاقیت‌ها، بسیج آحاد مردم در جهت تأمین اهداف توسعه پایدار و نیز اطمینان از آینده‌ای بهتر برای همه با تأکید بر رفاه مردم بومی و تأکید بر نقش حیاتی آنان در مدیریت محیطی و توسعه از ارکان تعریف پایداری اجتماعی است (موفات<sup>۳</sup>، ۱۹۹۶: ۳۵). پایداری اجتماعی مفهومی است که عمدتاً با ابعاد کیفی همگام است. پایداری اجتماعی به معنای حفظ و بهبودبخشی به سرمایه اجتماعی یعنی شکل‌دهی جوامعی همگن و یکپارچه با منافع متقابل، دارای ارتباط و تعامل میان گروه‌های مردمی، جامعه‌ای دارای احساس ترحم، صبوری، قابلیت انعطاف و تابع عشق و وفاداری که گاه با سرمایه اخلاقی نیز همراه می‌شود (گودلند<sup>۴</sup>، ۲۰۰۳: ۱-۶).

با اهمیت یافتن جایگاه شهرها و شهروندان در دستیابی به پایداری جهانی، مباحث مربوط به اجتماع پایدار شهری و شاخص‌های آن نیز به مرور زمان مورد اهتمام جدی قرار گرفتند. در حالی که مدت‌های طولانی، سیاست‌های برنامه‌ریزی و توسعه شهری عمدتاً بر روی زیرساخت‌های سخت اجتماعات متمرکز گردیده بود و عمده اقدامات صورت گرفته در جهت کاهش مشکلات و بهبود محیط زندگی اجتماعات نیز مبتنی بر اقدامات کالبدی، فنی و سخت‌افزاری بوده است، وجوه اجتماعی و فرهنگی، مورد غفلت واقع شدند؛ این در حالی بود که اجتماع چیزی بیش از شکل کالبدی آن است. هر اجتماع شهری در وهله نخست دربرگیرنده مردم و انسان‌ها و سپس مکانی است که این مردم در آن زندگی می‌کنند. در واقع هر اجتماع شهری، بیشتر محیطی اجتماعی است تا محیطی کالبدی و از سوی دیگر، ارزش‌ها و اولویت‌های اجتماع در فرایند پایداری از اهمیت بسیار بالایی برای یکپارچه‌سازی مؤلفه‌ها و ابعاد مختلف برخوردار هستند؛ چراکه چالش‌ها و مشکلات محیطی در درجه نخست مشکلاتی اجتماعی هستند. شما در واقع مردمی را مدیریت می‌کنید که بر روی محیط‌زیست تأثیر می‌گذارند و این مردم تا زمانی که تبدیل به پدیده‌ای انبوه (اجتماع) نگردند، قدرت تأثیرگذاری چندانی بر روی محیط‌زیست ندارند؛ بنابراین تلاش در جهت پایداری محیطی، در واقع تلاشی غیرمستقیم در جهت پایداری اجتماعی است. در حوزه اقتصادی، اقتصاد ابزاری است برای خدمت‌رسانی به مردم و نه اینکه مردم تبدیل به ابزارهای گردند برای ازدیاد منافع اقتصادی. پس زمانی که سخن از پایداری اقتصادی و شاخص‌هایی چون کاهش فقر و نابرابری، کاهش

1- Barron and Gaunlett

2- DFID

3- Moffatt

4- Goodland

بیکاری، توزیع عادلانه ثروت‌ها و امکانات و... می‌شود، در واقع اشاره‌ای غیرمستقیم به ابعاد انسانی و اجتماعی فعالیت‌های اقتصادی است.

هرچند پایداری کالبدی و طراحی محیط کالبدی یکی از مؤلفه‌های اساسی برای ساخت اجتماعات پایدار به خصوص در نواحی شهری است، اما پایداری اجتماعی تنها به واسطه طراحی کالبدی جوامع ایجاد نخواهد شد. در واقع تا زمانی که سبک زندگی و الگوهای مصرفی خانوارها و اجتماعات تغییر نیابد، پایداری کالبدی نیز نمی‌تواند به تنهایی باعث ایجاد اجتماعات پایدار گردد؛ هرچند که طراحی کالبدی می‌تواند در ایجاد و ارائه اولویت‌ها و گزینه‌های انتخابی مختلف برای برپایی اجتماعات پایدار یاری رساند.

پایداری نهادی (سیاسی) نیز از جمله ابعاد و حوزه‌هایی است که در سال‌های اخیر در مباحث مربوط به توسعه پایدار و پایداری شهری مورد اهتمام قرار گرفته است. در واقع این بُعد، تأکیدی است بر داشتن چشم‌انداز بلندمدت‌تر، بررسی و تعیین تأثیرات تصمیمات فعلی روی نسل‌های آینده، وضع قوانین، مقررات و سیاست‌ها و همچنین بررسی و تعیین تأثیرات تغییرات آن‌ها در بخش‌های مختلف و... (زاهدی، ۱۳۸۵: ۳۵). مطرح شدن مقولاتی چون حکمروایی خوب و حکمروایی خوب شهری در مباحث متأخرتر توسعه پایدار، تأکیدی است بر ابعاد سیاسی موجود در پارادایم پایداری. مهم‌ترین ویژگی‌های حکمروایی خوب شهری، مشارکت و قانون‌مداری است و این هر دو مباحثی هستند که هم‌بستگی بسیار نزدیکی با بُعد پایداری اجتماعی و مشخصه‌های آن دارند.

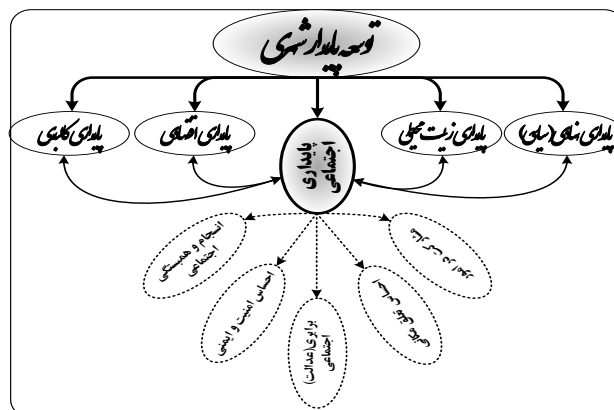
در شهرنشینی معاصر جهانی با آنکه سطح زندگی و میزان مصرف بالاتر از دیگر نقاط است، اما به واسطه رشد روحیه فردگرایی، فقدان حس تعلق مکانی و هویت‌مندی، کاهش سطح هم‌بستگی‌ها و تعاملات اجتماعی میان شهروندان، فقدان یا کاهش سطح نظارت اجتماعی جامعه به واسطه گمنامی شهروندان، ناپایداری در باورهای مذهبی، ناراحتی‌های روحی و روانی و جرائم افزایش یافته و بسیاری از انحرافات در حوزه‌های مختلف شیوع و بروز کرده است؛ تا جایی که می‌توان گفت امروزه شهرها تبدیل به مکان‌هایی پاره‌پاره و دستخوش هرج و مرج شده‌اند که در آن‌ها توجه به مقوله پایداری اجتماعی و حفظ تعاملات، به رؤیایی دست‌نیافتنی تبدیل شده است. در شهرهای امروزی «خانه‌های بزرگ‌تر داریم و خانواده‌هایی کوچک‌تر»، «درآمدهای بیشتر و طلاق‌های بیشتر»، «فرصت‌های بیشتر و تفریحات کمتر»، «تنوع غذایی بیشتر و تغذیه‌ای ناسالم‌تر»، «بیشتر می‌خریم و کمتر لذت می‌بریم» (رهنمایی و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۸۵). از نظر اجتماعی - فرهنگی آرامش از شهر ماشین‌گرای امروزین سلب شده است و نظم اجتماعی و روانی شهر به هم ریخته است. بزهکاری، کج‌رفتاری و جنایت به شاخصه‌های اجتماعی شهر بدل شده است (شیعه، ۱۳۸۲: ۳۳). در چنین شرایطی به نظر می‌رسد که مهم‌ترین و شاخص‌ترین معضل شهرهای معاصر، دوگانگی و تضادی باشد که در قالب شکل‌گیری دو مدار سیستمی مجزا و با مرزبندی‌های پیدا و پنهان و لایه‌بندی‌های اجتماعی - اقتصادی مشهود در شهرها قابل مشاهده است؛ دوگانگی و تضادی که عمدتاً از آن با نام‌هایی چون «شهر آفتابگیر و شهر برفگیر»، «شهر طلا و شهر نقره»، «شهر روشنایی‌ها و شهر تاریکی‌ها» (شکویی و موسی‌کاظمی، ۱۳۸۱: ۴۸۲)، «حاشیه شهر و متن شهر»، «شهروند و غیر شهروند» یاد می‌کنند؛ دوگانگی‌هایی که در قالب دو فرهنگ، دو کالبد و دو اقتصاد نمود پیدا می‌کند.

نظری به جغرافیای اسکان جمعیت در کشور ایران نیز طی سده اخیر گویای این است که تغییرات اساسی در الگوی اسکان جمعیت پدید آمده است. روند این تحولات به خصوص در نیم‌قرن اخیر از شدتی مضاعف برخوردار بوده است؛ به طوری که الگوی اسکان جمعیت را کاملاً واژگون نموده است. کشوری که در اوایل قرن حاضر کمی بیش از ۱۰ درصد از جمعیت آن شهرنشین بودند، در انتهای قرن دارای حدود ۷۰ درصد جمعیت شهرنشین است. این روند، یعنی غالب شدن الگوی سکونت شهری، به خصوص طی سه دهه گذشته، جامعه ایران را دستخوش تحولات فراوانی ساخته است.

اگر در گذشته‌های نه چندان دور به شهرها به عنوان دروازه‌هایی از اشتغال، رفاه، امکانات و به طور کلی بهروزی و سعادت نگریده می‌شد، امروزه دیگر استعاره شهر و شفا مورد تردید قرار گرفته است و قابلیت‌های شهرنشینی در ایجاد رفاه و سعادت برای شهروندان با تردید روبه‌رو گشته است. این شهرنشینی سریع همراه با خود آسیب‌های اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و محیطی فراوانی را به همراه داشته است. افزایش جرم و جنایت در مناطق شهری بویژه کلان‌شهرهای کشور، ناهمگنی و بیگانگی، وندالیسم، قانون‌گریزی و کج‌رفتاری، فزونی آسیب‌های اجتماعی، شکل‌گیری طبقات و توپوگرافی ناهمگون اجتماعی، بی‌مسکنی، بدمسکنی و حاشیه‌نشینی، تمرکز، تراکم، پس‌افتادگی فرهنگ شهری (ترافیک، آپارتمان‌نشینی، مشارکت)، میزان بالای بیکاری و بیکاری پنهان، اشتغال در بخش‌های غیررسمی و... تنها و تنها بخش کوچکی از آسیب‌هایی است که تا حد زیادی مولود شهرنشینی سریع جامعه ایرانی است. فزونی آسیب‌های اجتماعی در شهرها عامل شدت بخشی به ناپایداری اجتماعی و فرسایش روابط انسانی گشته و یکپارچگی دیروزین در شهرهای کشور را به خودمحوری تبدیل ساخته است تا جایی که به سبب رکود روابط و هم‌بستگی‌های شهری، «رهنمایی»، عصر کنونی حیات شهری کشور را به خصوص در کلان‌شهرها «عصر انجماد شهری» لقب می‌نهد (رهنمایی و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۸۶).

متأسفانه نظام برنامه‌ریزی کشور نیز آن‌چنان که انتظار می‌رود، نتوانسته است بر پیامدهای حاصل از این توسعه شتاب‌زده شهرنشینی فائق آید و به عبارت گویاتر باید گفت که در ایران شهرنشینی همواره بر شهرسازی غلبه داشته و نه یک گام، بلکه چندین گام جلوتر بوده است. نتیجه این پیشگامی شهرنشینی نیز باعث گردید تا مسئولان و برنامه‌ریزان شهری کشور، به جای تأکید بر ابعاد گوناگون، پیچیده و متقابل متغیرها و مؤلفه‌های تأثیرگذار در حیات محیط‌های شهری، همیشه بخش اعظم توجه خود را بر روی ابعاد محیطی و کالبدی متمرکز نمایند و در واقع می‌خواستند با نگرشی کارکردی، با ایجاد فرم‌ها و فضاهای مناسب کالبدی، به برآورده ساختن نیازهای اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی و حتی روحی و روانی مردم بپردازند؛ چراکه در مقابل ابعاد اجتماعی و اقتصادی که مقوله‌هایی پیچیده هستند و مسائل و مشکلاتشان به راحتی قابل مشاهده و ملموس نیست، ابعاد کالبدی از وضوح و عینیت بیشتری برخوردار هستند و بالتبع مقابله با آن‌ها نیز راحت‌تر است. پیامد چنین روندی این است که امروزه در شهرهای کشور ناپایداری‌های اجتماعی در حوزه‌های مختلف رو به افزایش است. فرایندی که نتیجه‌ای جز افول کیفی حیات اجتماعی و زیست‌پذیری شهرهای کشور نخواهد داشت.

در این پژوهش، با تأکید بر ارتباط متقابل میان بُعد اجتماعی پایداری شهری با ابعاد چهارگانه دیگر، یعنی اقتصادی، زیست‌محیطی، کالبدی و نهادی (سیاسی) و نقش تأثیرگذار پایداری اجتماعی در پایداری سایر ابعاد پایداری شهری، پایداری اجتماعی فرایند و وضعیتی عموماً کیفی است که به دنبال ایجاد زمینه‌ای مناسب برای زندگی افراد، اجتماعات و جوامع در کنار یکدیگر همراه با احترام، احساس هدفمندی و ارزشمند بودن، احساس تعلق و برابری است. پایداری اجتماعی به دنبال بالفعل‌سازی توانمندی‌های افراد و گروه‌ها برای زندگی در کنار یکدیگر و فراهم‌سازی زمینه ایجاد احساس مشترک عاطفی و روانی میان ساکنان هر شهر/ محله است. پایداری اجتماعی به جای تدوین قوانین و مقررات، آیین‌نامه‌ها و... جهت دستیابی به کیفیت بالای زندگی در محیط شهری، عمدتاً به دنبال تغییر در ارزش‌ها، نگرش‌ها، باورها و نوع نگاه شهروندان نسبت به مکان زندگی و محیط‌زیست و اطرافیان است و بر این اساس، شاخص‌ها و معیارهایی نیز که برای ارزیابی و سنجش پایداری اجتماعی تعریف می‌کند، شاخص‌ها و معیارهایی است که عمدتاً ناظر بر بُعد اجتماعی و کیفی زندگی شهروندان است تا اینکه بر روی اعداد و ارقام و معیارهای عینی تأکید نماید. شکل ۱ گویای مدل نظری تحقیق و مؤلفه‌های سازنده پایداری اجتماعی است.



شکل ۱. مدل نظری تحقیق - مؤلفه‌های سازنده پایداری اجتماعی شهر

خوشبختانه در سال‌های اخیر با اهمیت یافتن الگوواره (پارادایم) توسعه پایدار، تأکید بر جایگاه بعد اجتماعی در حوزه پایداری، اهمیتی دوچندان یافته است و مطالعات متنوع و دامنه‌داری در سطح ملی و بین‌المللی در این خصوص انجام شده است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- رهنمایی و همکارانش در تحقیقی با عنوان «نگرشی بر ناپایداری اجتماعی در بوم شهر ایرانی» با رویکردی پاتولوژیک و تحلیلی به بررسی و تبیین واقعیت‌های اجتماعی حاکم بر حیات شهرها، بویژه شهرهای ایران پرداخته‌اند. یافته‌های آن‌ها حاکی از این است که تحولات شهرنشینی ایران در دهه‌های اخیر و به تبع آن توپوگرافی اجتماعی ناهمگون شهری، مهاجرت، جدایی‌گزینی اجتماعی، حاشیه‌نشینی و نارسایی در ارائه خدمات، آسیب‌های اجتماعی و بی‌توجهی به مقوله اجتماعی از مهم‌ترین عوامل ناپایداری اجتماعی در شهرهای کشور هستند. این محققان، عوامل ناپایداری اجتماعی در شهرهای ایران را در چهار دسته اصلی شامل ناپایداری اقتصادی (فقر، بیکاری، بدکاری و ناکاری، قشربندی، تضاد و...)، ناپایداری فضایی (توپوگرافی ناهمگون اجتماعی، مهاجرت، جدایی‌گزینی اجتماعی، حاشیه‌نشینی و...)، ناپایداری روحی و روانی (خودکشی، رواج افسردگی، معضلات روحی و روانی و...) و ناپایداری رفتاری (پایداری خانوادگی، پس‌افتادگی فرهنگی، کج‌رفتاری و وندالیسم، خشونت، جرم و جنایت و...) تقسیم‌بندی نموده‌اند و در نهایت نیز راه‌حلهایی چون توجه به مقوله تعادل فضایی و عدالت اجتماعی در شهرها و کاهش دوگانگی‌های شهری، تعادل بخشی به روابط شهر و روستا، تجهیز و توزیع امکانات و خدمات در سطح نواحی شهری با توجه به نیازهای شهروندان، برخورد ساختاری و ریشه‌ای با آسیب‌های اجتماعی و توجه به آموزش و ارتقای سطح آگاهی و دانش خانواده‌ها و شهروندان و توجه به مقوله مهندسی اجتماعی و همگامی برنامه‌ریزی‌های اجتماعی با برنامه‌ریزی‌های شهری را در جهت بهبود سطح پایداری اجتماعی شهرهای ایران ارائه داده‌اند (رهنمایی و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۸۴-۲۹۷).

دمپسی و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۰۹: ۱-۱۲) در مقاله‌ای تحت عنوان «بعد اجتماعی توسعه پایدار: تعریف پایداری اجتماعی شهر» پس از بررسی ابعاد مختلف توسعه پایدار، به بررسی پایداری اجتماعی در زمینه شهری پرداخته‌اند. در این پژوهش، به ابعاد مثبت و منفی مؤلفه‌های سازنده پایداری اجتماعی اشاره شده است و سپس مؤلفه‌هایی چون برابری اجتماعی، حس تعلق/ افتخار مکانی، مشارکت در گروه‌ها و شبکه‌ها و امور مختلف، تعاملات اجتماعی، پایداری اسکان و ایمنی و امنیت به عنوان عوامل شکل دهنده پایداری اجتماعی معرفی شده‌اند.

کات هیل<sup>۱</sup> (۲۰۱۰: ۳۶۲-۳۷۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «تقویت اجتماع در توسعه پایدار: توسعه یک چهارچوب مفهومی برای پایداری اجتماعی در مناطق شهری در حال رشد استرالیا» با تأکید بر ارتباط نزدیک و متقابل میان ابعاد اجتماعی و اقتصادی و محیطی توسعه پایدار، پایداری اجتماعی را دربرگیرنده چهار مؤلفه اصلی شامل سرمایه اجتماعی، عدالت/برابری اجتماعی، مشارکت و درگیر شدن در امور و زیرساخت نرم می‌داند. به نظر نویسنده، سرمایه اجتماعی، فراهم کننده نقطه شروع نظری برای پایداری اجتماعی است. در حالی که زیرساخت نرم، تأمین کننده بُعد عملیاتی است، عدالت و برابری اجتماعی تأمین کننده الزام اخلاقی برای موضوع است و مشارکت و درگیری در امور نیز فراهم کننده روشی است برای کار کردن با یکدیگر در اجتماع.

از دیگر پژوهش‌هایی که در زمینه پایداری اجتماعی در سطح داخلی و بین‌المللی انجام شده است، می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره نمود: «سنجش پایداری اجتماعی زنان روستایی شهرستان سقز» (سالمی و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۵-۷۶)؛ «سنجش و اولویت‌بندی پایداری اجتماعی در مناطق روستایی با استفاده از تکنیک رتبه‌بندی بر اساس تشابه به حل ایده‌آل فازی - مطالعه موردی: دهستان حومه بخش مرکزی شهرستان خدابنده» (پورطاهری و همکاران، ۱۳۸۹: ۱-۳۱)؛ «به سوی رویکرد دارایی - مبنا برای توسعه اجتماع محلی» (عارفی، ۱۳۸۰: ۲۲-۳۳)؛ «سنجش پایداری اجتماعی توسعه شهر قم» (کاظمی محمدی و همکاران، ۱۳۸۱: ۲۷-۴۱)؛ «پایداری اجتماعی چیست: شرحی بر تعاریف» (والانس و همکاران، ۲۰۱۱: ۳۴۲-۳۴۸)؛ «پایداری اجتماعی در شهرهای بزرگ» (انیدی، ۲۰۰۲: ۴۱۲-۴۱۴)؛ «محدودیت‌ها و پیشرفت‌های پایداری اجتماعی به عنوان یک مفهوم در حال رشد» (فولادوری، ۲۰۰۵: ۵۰۱-۵۱۰) و کتاب «پایداری اجتماعی شهرها» (پولسه و استرن، ۲۰۰۰) که توسط دانشگاه تورنتو چاپ شده است، اشاره نمود که به جهت جلوگیری از طولانی شدن مقاله از توضیح بیشتر در مورد آن‌ها خودداری می‌شود.

بر این اساس، هدف اصلی این نوشتار، شناخت و تحلیل یکی از ابعاد اصلی پایداری شهری، یعنی پایداری اجتماعی است. نظر به اینکه موضوعات ناظر بر مسائل اجتماعی از پیچیدگی بالایی برخوردار هستند؛ بیشتر دارای کیفیت‌های ذهنی هستند تا عینی و دارای تأثیرات و تأثرات متقابل و چشم‌گیری با مسائل اقتصادی، سیاسی، محیطی و غیره هستند، بی‌شک تحلیل سطح پایداری اجتماعی و کوشش در جهت ارتقای آن، همان‌گونه که بوهانان عنوان می‌کند، می‌تواند پیش‌نیازی باشد برای دستیابی به توسعه پایدارتر و همه‌جانبه‌تر برای شهرهای ایران.

## مواد و روش‌ها

روش‌شناسی تحقیق، توصیفی - تحلیلی است. برای گردآوری داده‌های تحقیق از روش تحلیل داده‌های ثانویه و بررسی‌های پیمایشی استفاده شد و در جهت تحلیل یافته‌های تحقیق از آزمون‌های آماری توصیفی و استنباطی و مدل‌های کمی استفاده گردید. در بخش تحلیل، در بخشی از فرایند کار ابتدا با بهره‌گیری از تکنیک تحلیل عاملی اکتشافی، مهم‌ترین عامل‌هایی که سازنده متغیر پنهان تحقیق، یعنی پایداری اجتماعی بودند، شناسایی شدند؛ همچنین از آزمون‌های آماری استنباطی برای نشان دادن روابط میان متغیرهای زمینه‌ای با متغیر وابسته تحقیق استفاده گردید. از مدل‌های کمی نیز برای بررسی شاخص تجمعی کیفیت زندگی بهره گرفته شد.

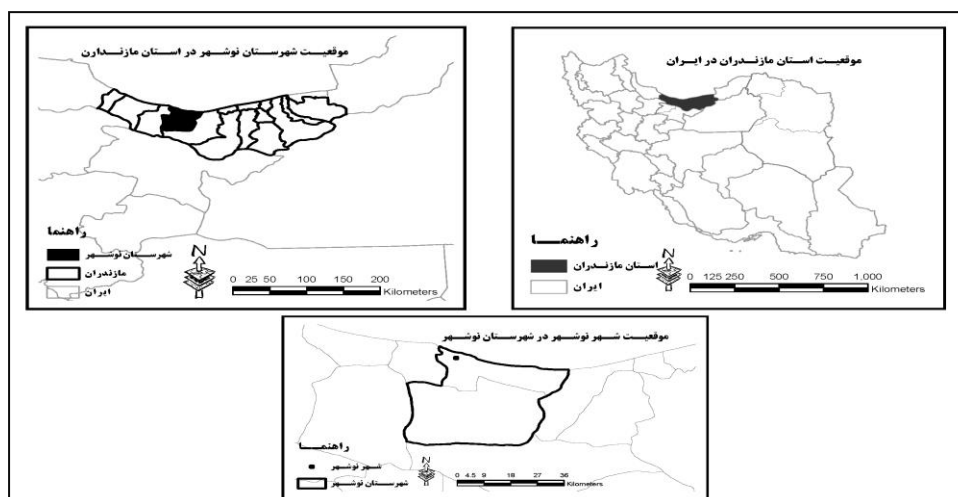
در جهت آزمون روایی ابزار در تدوین گویه‌های تحقیق از گزاره‌های تحقیق (بررسی مبانی نظری و پیشینه تحقیق) استفاده شد. همچنین به منظور روایی بالای مقیاس اندازه‌گیری (پرسشنامه)، پس از تدوین آن‌ها مبتنی بر انجام روایی صوری، از نظریات استادان و صاحب‌نظران ذی‌صلاح در جهت سنجش اعتبار محتوایی نیز بهره برده شد که اکثر آنان مناسب بودن گویه‌ها را تأیید نمودند. برای محاسبه انسجام درونی ابزار و همسازي گویه‌ها (پایایی ابزار سنجش) از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار به دست آمده (۰/۹۳۳۸) برای کل گویه‌ها، حاکی از پایایی بالای ابزار سنجش است.

جامعه آماری تحقیق دربرگیرنده شهروندان بالای ۲۰ سال شهر نوشهر است که بر اساس آمار سرشماری سال ۱۳۹۰ برابر با ۳۳۶۳۵ نفر می‌باشد. با توجه به مشخص بودن حجم جامعه آماری، حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران برابر با ۳۸۰ نفر به دست آمد که جهت کیفیت بالاتر تعداد نمونه تا ۴۰۰ نمونه افزایش یافت. شیوه نمونه‌گیری تصادفی است؛ با توجه به نبود ناحیه‌بندی‌ای رسمی از شهر که جمعیت آن مشخص باشد، بر پایه شناخت نسبی محققان از محدوده مورد مطالعه، کل شهر به ۱۰ محدوده آماری تقسیم‌بندی گردید و تعداد پرسشنامه برای هر محدوده با توجه به وسعت آن محدوده و حدود نسبی تراکم جمعیت، مشخص گردید.

جدول ۱. توزیع پرسشنامه در محدوده‌های منتخب شهر نوشهر

منطقه آماری	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
تعداد پرسشنامه	۳	۳	۳	۳	۳	۵	۵	۵	۴	۴

محدوده مورد مطالعه شهر نوشهر در استان مازندران است. این شهر که در سابق دهکده‌ای به نام خواجک یا خواجک بود، به علت وضعیت خاص ساحلی و استعداد بندری، مورد توجه خاص حبیب الله خان سردار خلعتبری پدر محمد ولی خان تنکابنی قرار گرفت و روی به آبادانی نهاد و به حبیب‌آباد معروف شد. در سال ۱۳۰۵ به دلیل تغییرات زیادی که در سیمای آن به وجود آمد، به دهنو تغییر نام داد و سپس در سال ۱۳۱۸ با احداث ساختمان‌ها و خیابان‌های نوساز و توسعه شهر، همراه با گسترش تأسیسات متعدد بندری و احداث اسکله، «نوشهر» نامیده شد. جمعیت این شهر بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵ برابر با ۴۲۱۷۵ نفر بوده است که با نرخ رشد ۰/۹۱ درصد، در سال ۱۳۹۰ به ۴۶۱۸۴ نفر رسیده است. مقایسه نرخ رشد جمعیت دو دهه ۷۵-۸۵ و ۸۵-۹۰ شهر، گویای کاهش حدود یک درصدی نرخ رشد جمعیت شهر است (از ۱/۸۴ در دوره ۷۵-۸۵ به ۰/۹۱ در دوره ۸۵-۹۰).



شکل ۲. نقشه موقعیت شهر نوشهر در کشور، استان و شهرستان



## نتایج و بحث

## شناسایی مؤلفه‌های سازنده پایداری اجتماعی

برای شناسایی مؤلفه‌های سازنده پایداری اجتماعی در محدوده مورد مطالعه، از تکنیک تحلیل عاملی استفاده گردید. معمولاً در پژوهش‌ها به دلایل گوناگون با حجم زیادی از متغیرها روبه‌رو هستیم. برای تحلیل دقیق‌تر داده‌ها و رسیدن به نتایجی علمی‌تر و در عین حال عملیاتی‌تر، محققان به دنبال کاهش حجم متغیرها و تشکیل ساختار جدیدی برای آن‌ها هستند و بدین منظور از روش تحلیل عاملی استفاده می‌کنند. تحلیل عاملی سعی در شناسایی متغیرهای اساسی یا عامل‌ها به منظور تبیین الگوی هم‌بستگی بین متغیرهای مشاهده شده دارد. کل گویه‌های انتخاب شده برای سنجش و ارزیابی پایداری اجتماعی در شهر نوشهر، پس از انجام پیش‌آزمون و تأیید روایی و پایایی آن‌ها حدود ۵۰ گویه بوده است که ۳۴ گویه جهت تحلیل عاملی انتخاب شد و مابقی نیز گویه‌های توصیفی مربوط به متغیرهای زمینه‌ای است. به منظور آزمون کفایت داده‌ها برای تحلیل عاملی و سنجش مدل تجربی تحقیق، از آزمون بارتلت و شاخص *KMO* استفاده گردید که مقدار آن برابر با  $0/757$  نشان‌دهنده کفایت بالای داده‌ها برای آزمون مدل تجربی تحقیق است.

تعداد کل عامل‌های استخراج شده با مقدار ویژه بالاتر از یک برابر با ۴ عامل اصلی است. این ۴ عامل  $54/14$  درصد کل واریانس مربوط به متغیر پنهان تحقیق، یعنی پایداری اجتماعی را تبیین می‌کنند که عامل نخست تحت عنوان احساس تعلق مکانی  $15/99$  درصد، عامل دوم تحت عنوان هم‌بستگی و انسجام اجتماعی  $15/6$  درصد، عامل سوم تحت عنوان دسترسی به امکانات (عدالت اجتماعی)  $12/9$  درصد و عامل چهارم تحت عنوان احساس ایمنی و امنیت اجتماعی  $9/65$  درصد واریانس داده‌ها را تبیین می‌کنند. یافته‌های حاصل از تحقیق نشان‌دهنده انطباق داده‌های تجربی با مدل تحلیل تحقیق است. همان‌گونه که مدل تحلیلی تحقیق نیز نشان می‌دهد، مؤلفه‌های سازنده پایداری اجتماعی با بررسی پیشینه تحقیق و مبانی نظری شامل پنج مؤلفه اصلی، یعنی هم‌بستگی و انسجام اجتماعی، احساس تعلق مکانی، احساس امنیت اجتماعی، برابری (عدالت) اجتماعی و مشارکت در امور است. در این پژوهش نیز مؤلفه‌های سازنده پایداری اجتماعی در شهر نوشهر با توجه به گویه‌های تحقیق دربرگیرنده چهار عامل اصلی، شامل هم‌بستگی و انسجام اجتماعی، احساس تعلق مکانی، برابری (عدالت) اجتماعی یا دسترسی به خدمات و امکانات و احساس امنیت اجتماعی است. تبیین بیش از ۵۰ درصد متغیر پنهان تحقیق توسط این عوامل نشان‌دهنده ارزیابی نسبتاً درست پایداری اجتماعی و مؤلفه‌های سازنده آن است؛ البته مؤلفه مشارکت در امور که در مدل تحلیلی موجود است، اما در زمینه تجربی و شهر نوشهر در نیامده است، شاید به دلیل هم‌بستگی نزدیک و مستقیمی باشد که بین مشارکت شهروند در مدیریت شهری با متغیرهای دیگری چون احساس امنیت، احساس تعلق و هم‌بستگی و انسجام اجتماعی وجود دارد؛ بدین دلیل گویه‌هایی که ناظر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری بوده‌اند، بر روی عامل‌های دیگری چون هم‌بستگی و انسجام اجتماعی و احساس تعلق مکانی وارد شده‌اند.

جدول ۲. تحلیل عاملی و عامل‌های مستخرج برای پایداری اجتماعی در میان شهروندان شهر نوشهر

عامل‌ها	گویه‌های تحقیق	ضرایب	آلفای کرونباخ
عامل اول (احساس تعلق مکانی)	تا چه اندازه به زندگی در این شهر علاقه‌مندید؟	۰/۷۴۵	۰/۷۰۶۱
	تا چه حد به زندگی در این محله علاقه‌مندید؟	۰/۶۵۴	
	تا چه اندازه به مرزهای محله زندگی‌تان و حدود آن آشنایی دارید؟	۰/۵۱۳	
	آیا این محله را یکی از محلات خوش‌نام شهر می‌دانید؟	۰/۷۸۴	
	آیا از اینکه دیگران شما را اهل این محل یا ساکن این محل می‌دانند احساس خوبی دارید؟	۰/۷۳۲	
	آیا در اجرای طرح‌ها و برنامه‌های مدیریت شهری مشارکت می‌کنید؟	۰/۴۳۵	
	تا چه حد خودتان را ملزم می‌دانید که عوارض مربوط به خدمات شهری را پرداخت کنید؟	۰/۵۴۶	

۰/۸۳۵۲	۰/۴۶۷	آیا در صورت بهبود وضعیت مالی و اقتصادی، این محله را ترک می‌کنید و به محله بهتری می‌روید؟	عامل دوم (هم‌بستگی و انسجام اجتماعی)
	۰/۵۳۳	تا چه حد با افراد مهم و معتمدان محل زندگی تان آشنایی دارید؟	
	۰/۴۵۵	آیا بین همسایگان یا اهالی محله جلسات منظمی برای حل مسائل و مشکلات تشکیل می‌شود؟	
	۰/۳۵۹	آیا تاکنون برای گزارش یکی از مشکلات محله به نهادهای مسئول است، مراجعه کرده‌اید؟	
	۰/۶۰۶	آیا تاکنون با همسایگانتان به پارک و مکان‌های تفریحی رفته‌اید؟	
	۰/۸۲۱	به چه میزان با همسایگان خود روابط خانوادگی و صمیمانه دارید؟	
	۰/۷۸۵	تا چه حد به همسایگان خود اعتماد دارید؟	
	۰/۶۴۵	تا چه حد از همسایگانتان برای انجام امور مشورت می‌گیرید؟	
	۰/۵۳۴	در صورت نیاز همسایگانتان، آیا حاضرید آن‌ها را از نظر مالی حمایت کنید؟	
	۰/۶۹۵	آیا در صورت نیاز به کمک (اعم از مالی، حمایتی و معنوی) می‌توانید به همسایگانتان امید داشته باشید؟	
	۰/۳۷۲	آیا به حمایت اطرافیان (فامیل، دوستان و آشنایان) در مواقع گرفتاری امیدوارید؟	
	۰/۵۰۹	تا چه حد از ارتباط با خانواده و خویشان نزدیکتان رضایت دارید؟	
۰/۷۲۰۹	۰/۶۵۵	آیا از دسترسی به مراکز مالی (بانک‌ها) و دستگاه‌های خودپرداز (عابر بانک) رضایت دارید؟	عامل سوم (دسترسی به امکانات و خدمات/ عدالت اجتماعی)
	۰/۷۱۹	میزان دسترسی شما به مراکز درمانی و پزشکی چگونه است؟	
	۰/۷۱۶	میزان دسترسی به مراکز خرید و بازار چگونه است؟	
	۰/۶۶۲	دسترسی شما به مراکز گذران اوقات فراغت (مراکز تفریحی، پارک و ...) چگونه است؟	
	۰/۷۱۷	میزان دسترسی شما به مراکز آموزشی چگونه است؟	
	۰/۴۲۹	آیا از دسترسی به مراکز فرهنگی و کتابخانه رضایت دارید؟	
	۰/۴۷۰	به چه اندازه به فضای سبز و پارک‌ها دسترسی دارید؟	
	۰/۳۹۹	آیا از دسترسی به مراکز ورزشی رضایت دارید؟	
۰/۶۴۹۲	۰/۴۵۶	تا چه حد از پیاده‌روی شبانه در محله‌تان احساس امنیت می‌کنید؟	عامل چهارم (احساس امنیت اجتماعی)
	۰/۵۷۵	تا چه اندازه از دسترسی به نیروی انتظامی رضایت دارید؟	
	۰/۷۵۶	تا چه حد از حضور پلیس و نیروی انتظامی در محله خود رضایت دارید؟	
	۰/۷۰۸	آیا تاکنون در محل زندگی شما سرقتی (اعم از سرقت منزل، ماشین، کیف‌قاپی و...) رخ داده است؟	
	۰/۳۲۶	در محله خود تا چه میزان رفتارهای بزهکارانه و اعمال مجرمانه مشاهده می‌کنید؟	

### شاخص تجمعی پایداری اجتماعی

برای ارزیابی سطح پایداری اجتماعی، از طریق ساخت شاخص تجمعی اقدام گردید. برای به دست آوردن این شاخص از روش ارائه شده توسط لی و ونگ<sup>۱</sup> (۲۰۰۷: ۲۵۵) که برای بررسی کیفیت زندگی پیشنهاد شده بود، استفاده گردید. در این روش شاخص تجمعی پایداری اجتماعی شهری<sup>۲</sup> با استفاده از امتیاز آن‌ها و با تخمین تحلیل عاملی تهیه شده است. هر عامل به عنوان یک جنبه از پایداری اجتماعی در نظر گرفته شده است و شاخص تجمعی که از طریق رابطه ذیل (۱) به دست آمده است، ترکیبی از جنبه‌های گوناگون است. در این رابطه  $n$  گویای تعداد عامل‌های انتخاب شده،  $F_i$  نشان‌دهنده امتیاز عامل  $i$  و در نهایت  $W_i$  نشان‌دهنده درصد واریانس تبیین شده به وسیله عامل  $i$  است. همان‌گونه که لی و یانگ بیان کرده‌اند، یکی از مشکلات اساسی برای به دست آوردن شاخص تجمعی، کمبود معیارهای لازم برای وزن‌دهی شاخص‌هاست؛ به همین جهت، عامل‌ها به عنوان شاخص‌های ترکیبی مورد نظرند و درصد واریانسی که تبیین می‌کنند، به عنوان وزن به کار رفته است (رابطه ۲). امتیاز پایداری اجتماعی که از طریق اجرای رابطه ۲ برآورد شده است، در بین اعداد

1- Li and Weng

2- Cumulative Index of Urban Social Sustainability (CIUSS)

حداکثر ۵۷/۸۹ و حداقل ۶۷/۵۳- تغییر می‌کند بنابراین از تکنیک استانداردسازی مینیمم - ماگزیمم برای تبدیل امتیاز پایداری اجتماعی به دامنه ۱ تا ۵ که بر اساس طیف لیکرت و گویه‌های تحقیق می‌باشد، استفاده شد (رابطه ۱۳). یافته‌های حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که میانگین امتیاز پایداری اجتماعی به دست آمده برای شهر نوشهر برابر با ۲/۶۹۲ است که نسبت به میانه نظری تحقیق (عدد ۳ با توجه به طیف پنج گزینه‌ای لیکرت که عدد یک نشان‌دهنده پایداری اجتماعی حداقل و عدد پنج نشان‌دهنده پایداری اجتماعی حداکثر است) پایین‌تر و گویای وضعیت نه چندان مناسب شهر نوشهر به لحاظ شاخص‌های پایداری اجتماعی است.

$$CIUSS = \sum_{i=1}^N F_i W_i \dots \dots \dots (1)$$

$$CIUSS = \left[ \frac{(15.988 * Factor^1) + (12.793 * Factor^2) + (8.851 * Factor^3)}{(8.650 * Factor^4) + (8.402 * Factor^5) + (6.852 * Factor^6)} \right] \dots \dots \dots (2)$$

$$SIUSS = 5 * [(USS - USS_{min}) + (USS_{max} - USS_{min})] \dots \dots \dots (3)$$

### تحلیل تأثیر متغیرهای زمینه‌ای بر پایداری اجتماعی

نظر به اینکه پایداری اجتماعی، شاخصی ترکیبی است، می‌توان گفت که عوامل بسیاری می‌توانند در کمیّت و کیفیت پایداری اجتماعی شهروندان تأثیر بگذارند؛ عواملی چون محیط زمینه‌ای و متغیرهای مربوط به آن، محیط کالبدی، شرایط اقتصادی و وضعیت روحی و روانی شخص و ... .

یافته‌های تحقیق در این خصوص حاکی از آن است که بین وضعیت محیط کالبدی شهر/ محله و بهزیستی ذهنی شهروندان، با سطح پایداری اجتماعی آن‌ها رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد؛ اما در خصوص اوضاع اقتصادی نکته‌ای که وجود دارد، این است که پایداری اجتماعی در شهر نوشهر با سطح درآمد شهروندان رابطه‌ای معنی‌دار، اما معکوس داشته است؛ به عبارتی همراه با افزایش درآمد، سطح پایداری اجتماعی رو به کاهش بوده است؛ این در حالی است که بین مؤلفه بهره‌مندی از امکانات اقتصادی با پایداری اجتماعی رابطه معنی‌دار و مستقیمی مشاهده شده است. شاید بتوان دلیل هم‌بستگی معکوس و معنی‌دار میان سطح درآمد و پایداری اجتماعی را این موضوع عنوان نمود که چون شهروندان با افزایش درآمد، فوراً اقدام به تغییر مکان زندگی و مسکن خود می‌کنند و به عبارتی اولین اقدام در صورت افزایش درآمد، تهیه مسکنی بهتر و در محله یا شهری بهتر است؛ بدین دلیل افراد در صورت افزایش درآمد علاقه‌ای به ماندن در محله خود ندارند و تمایل به جابه‌جایی و شاید رها کردن وابستگی‌های محلی خود دارند. از دیگر متغیرهایی که رابطه‌ای معنی‌دار با پایداری اجتماعی شهروندان داشته است، مساحت زمین مسکونی و همچنین نوع تصرف واحد مسکونی بوده است که نشان‌دهنده اهمیت موضوع مالکیت و احساس وابستگی به مکان در نزد شهروندان است. همچنین پایداری اجتماعی بر اساس جنسیت شهروندان نیز گویای تفاوت معنی‌دار میان آن‌هاست؛ این امر نشان‌دهنده بالاتر و بهتر بودن تعاملات اجتماعی، هم‌بستگی، انسجام، دلبستگی و در نتیجه پایداری اجتماعی بیشتر زنان نسبت به مردان در شهر نوشهر است. همچنین بررسی‌ها و تحلیل‌های استنباطی نشان می‌دهند که متغیرهای زمینه‌ای چون سن، سطح تحصیلات، سابقه سکونت در شهر و مهاجر بودن/ نبودن، رابطه معنی‌داری با سطح پایداری اجتماعی شهر نوشهر ندارند.

جدول ۳. تحلیل هم‌بستگی‌ها بین متغیر وابسته (پایداری اجتماعی) و متغیرهای مستقل تحقیق

پایداری اجتماعی		متغیر وابسته
Sig.(2-tailed)	ضریب هم‌بستگی	
۰/۰۰۰	۰/۳۱۴	محیط کالبدی
۰/۰۰۰	۰/۵۱۳	بهبودی ذهنی
۰/۰۰۰	۰/۳۴۲	شرایط اقتصادی
۰/۰۰۰	-۰/۱۸۹	سطح درآمد
۰/۰۰۰	۰/۲۳۷	مساحت زمین مسکونی
۰/۰۰۰	-----	نوع تصرف واحد مسکونی*
۰/۰۵۰	-----	جنس*
۰/۲۲۹	-----	مهاجر بودن / نبودن*
۰/۳۸۶	۰/۰۲۴	سن
۰/۳۰۱	۰/۰۵۲	تحصیلات
۰/۷۵۳	-۰/۰۱۶	سابقه سکونت در شهر

\* برای این سه متغیر از آزمون تی برای نمونه‌های مستقل و برای سایر متغیرها از آزمون هم‌بستگی اسپیرمن و پیرسون استفاده گردیده است.

### نتیجه‌گیری

مفهوم پایداری مشخص‌کننده تغییر در اندیشه توسعه است و چالشی را برای اندیشمندان توسعه در جهت ایجاد تعادل بین دولت، جامعه و طبیعت و بین رشد اقتصادی، توسعه اجتماعی و اکولوژی مطرح می‌کند. در دستور کار ۲۱، برای دستیابی به فرهنگ پایداری، تأکید ویژه‌ای بر بین‌رشته‌ای بودن توسعه پایدار شده است؛ اما دستور کار ۲۱ فقط به این نکته ختم نمی‌شود، بلکه تأکید بر امر آموزش و استفاده از دانش‌های شهروندان، نه تنها به انتشار آنان کمک می‌کند، بلکه عمل احساس مسئولیت اجتماعی و توسعه الگوهای رفتاری جدید را باعث می‌شود. این دستور کار بر لزوم ایجاد فرهنگ پایداری و بر احیا و ترمیم هم‌بستگی اجتماعی تأکید و عنوان می‌کند که هر اجتماعی باید موضوعات محیطی، اقتصادی و اجتماعی خودش را بر اساس ارزش‌های جامعه‌اش اولویت‌بندی نماید. بر این اساس به نظر می‌رسد جایگاه اجتماع در موضوع توسعه پایدار و لزوم توجه به بعد پایداری اجتماعی در میان سایر ابعاد پایداری، جایگاهی ویژه و ارزشمند است. در توسعه پایدار شهری نیز یکی از اصلی‌ترین محورها، بعد اجتماعی و فرهنگی و اخلاقی است. بعدی که در عین اهمیت شایان توجه، به واسطه پیچیدگی‌اش، چندان مورد توجه مسئولان و اندیشمندان این حوزه قرار نگرفته است. پایداری در حوزه حیات شهری، مستلزم در نظر گرفتن ابعاد متنوع و پیچیده آن در قالب زیرساخت‌های نرم (اجتماع، فرهنگ و اخلاق) و سخت (محیط، فناوری، اقتصاد و...) است. اگر برنامه‌ریز شهری می‌خواهد اجتماعی فعال، مشارکت‌جو و مسئول ایجاد نماید، باید در همه امور، یکپارچگی بین عناصر و مؤلفه‌ها را مورد اهتمام جدی خود قرار دهد و به همان اندازه که به زیرساخت‌های سخت بها می‌دهد، به زیرساخت‌های نرم نیز توجه نماید.

این پژوهش با استفاده از مرور پیشینه پژوهش و مبانی نظری موضوع، چهارچوب تحلیلی خود را بر این اساس استوار نمود که پایداری اجتماعی به عنوان یکی از ابعاد اصلی پایداری شهری، علاوه بر اینکه تأثیرات متقابل و جدی با سایر ابعاد پایداری شهری، یعنی کالبدی، نهادی، محیطی و اقتصادی داشته و دارد، خود نیز از پنج جزء اصلی، یعنی هم‌بستگی و انسجام اجتماعی (سرمایه اجتماعی)، احساس امنیت اجتماعی، احساس تعلق مکانی، برابری و عدالت اجتماعی و مشارکت شهروندان در امور تشکیل شده است که البته هر کدام از این بخش‌ها را می‌توان به زیربخش‌های فرعی تری جهت مطالعه متغیرهای پنهان تفکیک نمود.

یافته‌های این پژوهش که با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی حاصل گردید، حاکی از آن است که در شهر نوشهر نیز از پنج عامل مد نظر در مدل تحلیلی تحقیق، چهار عامل هم‌بستگی و انسجام اجتماعی، احساس امنیت اجتماعی،

احساس تعلق مکانی، برابری و عدالت اجتماعی (دسترسی به امکانات)، از مهم‌ترین مؤلفه‌های سازنده پایداری اجتماعی بوده‌اند. این چهار مؤلفه در مجموع حدود ۵۵ درصد متغیر وابسته و پنهان تحقیق، یعنی پایداری اجتماعی در شهر نوشهر را تبیین نموده‌اند که از آن میان احساس تعلق مکانی در رتبه نخست اهمیت قرار داشته است و پس از آن به ترتیب مؤلفه‌های هم‌بستگی و انسجام اجتماعی، برابری و عدالت اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی قرار داشته‌اند. همچنین بررسی وضع موجود پایداری اجتماعی با استفاده از شاخص تجمعی پایداری اجتماعی نشان می‌دهد که مقدار عددی این شاخص که برابر با ۲/۶۹۲ است از میانه نظری داده‌ها، یعنی عدد ۳ پایین‌تر است و نشان از وضعیت نامناسب پایداری اجتماعی شهر نوشهر دارد.

همچنین تحلیل روابط و هم‌بستگی‌ها در خصوص عوامل تأثیرگذار بر چند و چون پایداری اجتماعی در محدوده مطالعه حاکی از آن است که مؤلفه‌ها و متغیرهایی چون بهزیستی ذهنی، شرایط محیط کالبدی، شرایط اقتصادی (بهره‌مندی اقتصادی)، سطح درآمد، نوع تصرف واحد مسکونی، مساحت واحد مسکونی و جنسیت، رابطه‌ای معنی‌دار با پایداری اجتماعی داشته‌اند و در سوی دیگر متغیرهایی چون سن، سطح تحصیلات، سابقه سکونت در شهر و مهاجر بودن/ نبودن از جمله متغیرهای زمینه‌ای‌ای بودند که رابطه معنی‌داری با سطح پایداری اجتماعی شهروندان در شهر نوشهر نداشته‌اند. با توجه به یافته‌های این پژوهش، پیشنهادهای زیر جهت بهبود وضعیت پایداری اجتماعی در شهر نوشهر و نواحی مشابه قابل ذکر است:

۱- با توجه به نقش مهم احساس تعلق مکانی در دستیابی به پایداری اجتماعی در شهر نوشهر، ضروری است مدیریت شهری با انجام پژوهشی جامع، عوامل ایجابی و سلبی تأثیرگذار بر حس تعلق مکانی شهروندان از سوی مدیریت شهری را بشناسد و در جهت بهبود آن اقدامات لازم را انجام دهد. شایان ذکر است که با توجه به تفاوت‌های جغرافیایی، اجتماعی و فرهنگی شهرهای مختلف به نظر می‌رسد نمی‌توان راه‌حل‌ها و اقدامات جهان‌شمولی را برای همه آن‌ها کشف و تجویز نمود؛ بر این اساس توجه به بافت و زمینه جغرافیایی، تاریخی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و... در ارائه راهبردها و سیاست‌های برنامه‌ریزی شهری برای مناطق مختلف شهری موضوعی است که باید بسیار مورد اهتمام مدیران و مسئولان امر قرار گیرد.

۲- نقش مهم مؤلفه هم‌بستگی و انسجام اجتماعی در پایداری اجتماعی گویای اهمیت شاخصی مهم‌تر و کلان‌تر در زندگی اجتماعی شهروندان است که در علوم اجتماعی از آن به عنوان سرمایه اجتماعی یاد می‌کنند. مطالعات متعدد در ایران و جهان نشان می‌دهد که این عامل ارتباط نزدیکی با دیگر شاخص‌های پایداری اجتماعی‌ای، چون تعلق مکانی، احساس امنیت اجتماعی و حتی مشارکت شهروندی دارد. بر این اساس به نظر می‌رسد نظام مدیریت و برنامه‌ریزی شهری در شهر نوشهر و سایر شهرهای کشور، باید به سمت و سویی حرکت کنند که بتواند با برنامه‌ریزی‌های کالبدی و طراحی فضاهای شهری، زمینه را برای ایجاد و بهبود سرمایه اجتماعی شهروندان فراهم سازد. بدون شک مهم‌ترین اقدام در این خصوص دخیل نمودن شهروندان در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری امور شهری به صورت رسمی و غیررسمی و ارتقای نقش و کارایی فضاهای عمومی در درون بافت شهرها، بویژه محلات شهری است.

۳- برنامه‌ریزی، طراحی و اجرای برنامه‌های محله‌محور و اجتماع‌مدار در مدیریت شهری اعم از برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی (اجرای برنامه‌های مختلف در محلات شهر)، برنامه‌های کالبدی و محیطی (طراحی محیطی)، برنامه‌های مدیریتی و... به خصوص از سوی شورای شهر و شهرداری نوشهر یکی از راهکارهایی است که می‌تواند در ایجاد و ارتقای احساس تعلق مکانی و محله‌ای، افزایش هم‌بستگی و انسجام اجتماعی و ارتقای احساس امنیت اجتماعی برای شهروندان مفید باشد.

۴- با توجه به نقش مهم عدالت فضایی در ارتباط با پایداری اجتماعی، توجه به توزیع عادلانه امکانات و خدمات در بخش‌های گوناگون ورزشی، تفریحی، بهداشتی و درمانی، انتظامی، امنیتی و... در تمامی مناطق شهر به گونه‌ای که شهروندان هر محله و ناحیه شهری بتوانند در حداقل فاصله زمانی و مکانی به این خدمات دسترسی داشته باشند. تلاش مدیریت شهری برای ایجاد هسته‌های جدید فعالیت در پهنه اصلی شهر در کنار هسته مرکزی موجود، بویژه در محلات و نواحی محروم می‌تواند به این امر کمک کند.

## منابع

- پورطاهری، مهدی، سجاسی قیداری، حمد الله و صادق‌لو، طاهره، ۱۳۸۹، **سنجش و اولویت‌بندی پایداری اجتماعی در مناطق روستایی با استفاده از تکنیک رتبه‌بندی بر اساس تشابه به حل ایده‌آل فازی (مطالعه موردی: دهستان حومه بخش مرکزی شهرستان خدابنده)**، مجله پژوهش‌های روستایی، ۱، ۳۱-۱.
- رهنمایی، محمدتقی و محمدی ده چشمه، مصطفی، ۱۳۸۸، **نگرشی بر ناپایداری اجتماعی در بوم شهر ایرانی، اطلاعات سیاسی و اقتصادی**، ۲۵۹-۲۶۰، ۲۹۷-۲۸۴.
- زاهدی، شمس‌السادات و غلامعلی نجفی، ۱۳۸۵، **بسط مفهومی توسعه پایدار، فصلنامه مدرس علوم انسانی**، ۱۰ (۴)، ۷۶-۴۳.
- سالمی، مریم؛ محمدرضا حمزه‌ای و علی اصغر میرک‌زاده، ۱۳۹۰، **سنجش پایداری اجتماعی زنان روستایی شهرستان سقز، فصلنامه مطالعات اجتماعی و روان‌شناختی زنان**، ۹ (۱)، ۷۶-۵۵.
- شکویی، حسین و سید مهدی موسی کاظمی محمدی، ۱۳۸۱، **ارزیابی پایداری اجتماعی در شهر قم، پژوهش‌های جغرافیایی**، ۴۳، ۴۱-۲۷.
- شیعه، اسماعیل، ۱۳۸۲، **با شهر و منطقه در ایران**، چاپ اول، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، تهران.
- عارفی، مهیار، ۱۳۸۰، **به سوی رویکرد دارایی - مبنا برای توسعه اجتماع محلی**، نشریه هنرهای زیبا، ۱۰، ۳۳-۲۲.
- مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰، **سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۸۵**.

Barron, L. and Gaunlett, E., 2002, **Housing and Sustainable Communities**, Indicators project, western Australian council of social service.

Bohannon, R., Gray, C., McGrath, S., Schultheiss, A., Rahn, K., and Knaub, R., 2005, **Community Sustainability**, Chicago University press, Chicago.

Cities Alliance, 2006, **Cities without slums**, Annual Report.

Cuthill, M., 2010, **Strengthening the Social in Sustainable Development " Developing a Conceptual Framework for Social Sustainability in a Rapid Urban Growth Region in Australia**, Sustainable development, No 18, Published online in Wiley InterScience, (www.interscience.wiley.com) DOI: 10.1002/sd. 397, 362- 373.

Dempsey, N; Bramley, G; Power, s and Brown, C., 2009, **The Social Dimension of Sustainable Development: Defining Urban Social Sustainability**, Sustainable development, 1, Published online in Wiley InterScience, (www.interscience.wiley.com) DOI: 10.1002/sd.417, 1-12.

DFID, 2002, Indicators for Socially Sustainable Development, <http://www.livelihood.org/info/docs/wssd-indbr.pdf>.

Enyedi, G., 2002, **Social Sustainability of Large Cities**. Ekistics 69 (142), 412-414.

- Foladori, G., 2005, **Advances and Limits of Social Sustainability as an Evolving Concept**, Canadian Journal of Development Studies, 26 (3), 501–510.
- Goodland, R., 2003, **Sustainability Human, Social, Economic and Environmental**, World Bank Washington DC, USA.
- Hall, T., 2005, **Urban Geography**, 3rd edition, Routledge, London and New York.
- Hopwood, B; Mellor, M; O'Brien, G., 2005, **Sustainable Development: Mapping Different Approaches**, Sustainable Development, 13, 38–52.
- Littig B, Griesler E., 2005, **Social Sustainability: a Catchword Between Political Pragmatism and Social Theory**. International Journal of Sustainable Development 8 (1/2), 65–79.
- Moffatt, I., 1996, **Sustainable Development, Principles, Analysis and Policies**, the Parthenon publishing group, London.
- Polese, M., Stren, R., 2000, **The Social Sustainability of Cities**. University of Toronto Press, Toronto.
- Vallance, S; Perkins, H and Dixon, J., 2011, **What is Social Sustainability? A Clarification of Concepts**, Geoforum, 42, 342–348.





